

موسیقی پاپ؛ پیشرفت؟ پسرفت؟

اسماعیل شافعی

دانشجوی رشته‌ی موسیقی ایرانی دانشگاه هنر



همایون خرم و انوشیروان روحانی پس از یک اجرای موفق، ۱۳۸۹
(عکس از فرامرز امینی)

چکیده

موسیقی پاپ از نواهای ساده و اشعار زود فهمی تشکیل شده است که همراه با حوادث زودگذر و پدیده‌های کم عمر جامعه بوجود می‌آید و پس از گذشت مدتی از مسأله مورد بحث، اعتبار خود را از دست می‌دهد و به فراموشی سپرده می‌شود. ملودی آن اغلب احساسی می‌باشد و در عین حال با جملات ساده و روان همراه است و چون دارای هارمونی پیچیده‌ی نیست، جایگاه خاصی در میان مردم پیدا می‌کند. متداول‌ترین فرم در این نوع موسیقی، «ترانه» و «تصنیف» است که اکثر مردم جامعه به سادگی آن را فرا می‌گیرند و تقلید می‌کنند. موسیقی پاپ مانند خیلی چیزهای دیگر، تعلق ذاتی به این مرز و بوم ندارد و در زمره امور وارداتی است که هنوز در تب و تاب پیدا کردن جای خود در این فرهنگ است. پشت سر این نوع موسیقی هیچ سنت نهادینه‌ی وجود ندارد و در نتیجه خواننده و نوازنده به راحتی می‌تواند در صورت نیاز، هر نوع چارچوب قراردادی و یا دست و پاگیر را رعایت نکند. این مقاله بدنیاال پاسخ به سؤالاتی است از این قبیل که: موسیقی پاپ چگونه شکل گرفته است؟ چه قوانینی بر آن حاکم است؟ پس از شکل‌گیری چگونه وارد کشور ما شده و به چه دلیل جایگاهی خاص در میان مردم دارد؟ چگونه به حیات خود ادامه می‌دهد و اصلاً این موسیقی قرار است به کدام سمت و سو کشیده شود؟ امید است که این مبحث راهگشایی برای چاره‌جویی و هدایت این نوع موسیقی توسط افراد ذی‌صلاح گردد.

□ امروزه در ایران «موسیقی پاپ» به موسیقی مردمی ترجمه می‌شود. در آمریکا، این نام pop music ریشه‌ی قدیمی دارد و به قرن نوزدهم میلادی و سال ۱۸۸۰ باز می‌گردد. این اسم اشاره به نام محله‌ی در شهر نیویورک دارد و نوع موسیقی خاصی که در این خیابان توسط افرادی خاص اجرا می‌شده است.

شاید بهتر باشد که قبل از ورود به مبحث موسیقی پاپ در ایران نگاهی داشته باشیم به چگونگی شکل‌گیری موسیقی پاپ آمریکایی که برخی آن را منبع موسیقی پاپ ایرانی عنوان کرده‌اند.

موسیقی پاپ آمریکایی متأثر از موسیقی سیاه‌پوستان آفریقایی تبار این کشور است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های موسیقی پاپ آمریکایی، ترکیب‌بندی جدید سازهایی است که به صورت ترکیبی نامتجانس اما جذاب با سازهایی نظیر پیانو، گیتار، ساکسیفون، ویلون و سازهای کوبه‌ای اجرا می‌شود.

با رواج صفحات گرامافون اولین نت‌های موسیقی‌بی که امروز پاپ می‌نامیم، شکل گرفت که دارای ویژگی‌های زیر بود:

۱- داشتن ملودی‌های ساده و کوتاه

۲- داشتن هارمونی ساده

۳- داشتن ریتم‌های تند شونده.

پس از مدتی این نوع موسیقی که سیر منطقی خود را می‌پیمود، تحت عنوان «موسیقی جاز»^۱ رواج پیدا کرد

بعد از پایان جنگ جهانی دوم نیز شاخه‌ای در موسیقی جاز شکل گرفت که «بلوز»^۲ نام گرفت و بعدها در اروپا و دیگر کشورهای جهان نیز تأثیر خود را به جا گذاشت. از سال ۱۹۵۵ نوع تازه‌ی در موسیقی آمریکایی بوجود آمد که از آن به

عنوان موسیقی «راک»^۳ یاد می‌کنند. این نوع موسیقی که در پیوند نزدیکی با موسیقی «پاپ» است، حرف تازه‌ای را مطرح می‌کند، ریتم را به شدت هیجان می‌بخشد و در عین حال از حیث اشعار ترانه‌ها وارد حیطه‌های عاطفی و عاشقانه می‌شد.

این موضوع باعث شد که نسل جوان شیفته این نوع موسیقی شود.

بعد از این دوره گروه‌های موسیقی به دنبال برقراری ارتباط آسان با مردم از طریق این نوع موسیقی شدند که باز هم سادگی، ملودی‌های تکرار شونده، تنوع ریتم و ترکیبات تازه‌تر سازها را به دنبال داشت.

این نوع سبک و اجرا از نظر اقتصادی نیز مقرون به صرفه بود و در هر جا و مکانی استفاده از آن مهیا بود. از دهه ۱۹۵۰ به بعد شاهد دگرگونی اساسی در موسیقی پاپ آمریکایی بوده ایم و به نوبه خود تأثیر شگرفی بر موسیقی تمام دنیا از جمله ایران گذاشت.

اما سابقه موسیقی پاپ در ایران به سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم یعنی هنگامی که ارتش متفقین در تهران اقامت داشتند، می‌رسد که تحت تأثیر ترانه‌ها و قطعاتی از صفحات گرامافون و فیلمهای سینمایی و ایستگاه‌های رادیویی که از فرهنگ غرب متأثر بودند، جای خود را در تهران و یکی دو شهر دیگر باز کردند. نوازندگان این سبک اغلب اقلیت‌های دینی نظیر ارمنه و آسوری‌ها بودند که در کافه‌ها و رستوران‌ها این موسیقی را اجرا می‌کردند. حدود سالهای ۱۳۲۷. ش کلام فارسی روی ملودی‌هایی در قالب تانگو، والس، فوکستروت، رومبا گذاشته شد که در

فرهنگ جدید شهری ایرانیان جا باز کرد. از ابتدای دهه ۱۳۳۰. ش چند خواننده که در رأس آنها «ویگن دردیان»، بود این موسیقی را همه‌گیر کردند و رادیو نیز آثار آنها را پخش می‌کرد و فیلم‌های سینمایی ایرانی جولانگاه ترانه‌خوانانی شد که این موسیقی را اجرا می‌کردند.

با رواج صنعت فیلم سازی نیز در دهه ۱۳۳۰. ش تا آستانه انقلاب، فیلم‌های ایرانی به مهمترین منابع اشاعه موسیقی پاپ تبدیل شد و محتوای این نوع موسیقی تا اواخر دهه ۱۳۵۰. ش که افرادی چون گوگوش و داریوش و ستار و دیگران در آن پیدا شدند؛ تغییرات کلی کرد. فضای آرام و رمانتیک دوران ویگن نیز کم کم جای خود را به فضاهای دیگری توسط افرادی چون «فریدون فروغی» و «فرهاد مهاد» داد که با استفاده از اشعار شاعران معترض به نظام موجود، سعی می‌کردند نوعی موسیقی اعتراضی را ارائه دهند. خوانندگانی نیز نظیر حمیرا، هایده، مهستی، گلپایگانی، ایرج و دیگران نیز ظاهراً از یک خط سنتی و فضای ایرانی تر پیروی می‌کردند.

به تدریج، بی‌مهری مقامات وقت به موسیقی اصیل و محدود شدن برنامه‌های اساتید در رادیو و تلویزیون و شیوع حرفه کاباره‌داری و جذب شدن بعضی هنرمندان با استعداد به کاباره‌ها (هنرمندانی که تا چند سال قبل از آن، آثار خود را در فضای موسیقی اصیل می‌ساختند) باعث شد که بنیان‌های سازنده موسیقی حقیقی ایران در معرض خطر جدی قرار بگیرد. این موسیقی‌ها از سطح هنری قابل قبولی برخوردار نبودند و تنها برای پر کردن وقت و سرگرم سازی در سطحی بی محتوا ساخته می‌شدند و بین مردم نا آشنا به موسیقی اصیل، به عنوان آثار واقعی موسیقی ایرانی



مجلس بزرگداشت همایون خرم در فرهنگسرای هنر
 از راست: امین - ناصر بهبهانی - فرهاد فخرالدینی - همایون خرم - انوشیروان روحانی
 (عکس از: فرامرز امینی)

سیاستگذاری های هنری و موسیقایی، از مداومت و پایداری لازم بر خوردار نیست، به جای بهتر شدن، حرکتی معکوس و رو به عقب را در پیش گرفته است.

حال با توجه به این واقعیت که موسیقی پاپ در کشور ما از یک اصول تدوین شده تبعیت نمی کند این سؤال مطرح می شود که برای بهبود وضعیت، از کجا باید شروع کنیم و به کجا باید برویم؟

■

پی نوشت ها

۱- Jaaa Music

۲- Blues Music

۳- Roch Music

منابع

- ۱- برخوردار، ایرج، موسیقی سنتی ایران (دفتر پژوهش های رادیو)، انتشارات طرح آینده، تیر ۱۳۸۶
- ۲- جوادی غلامرضا، موسیقی ایران از آغاز تا امروز (جلد دوم)، انتشارات همشهری، ۱۳۸۰
- ۳- فاطمی فرهنگ، ستارگان موسیقی پاپ ایران، انتشارات جابر، فروردین ۱۳۸۰

بدین ترتیب موسیقی پاپ ایرانی چاره‌ی جز بازگشت به سینما پیدا نکرد و به حیات خود در قالب موسیقی متن فیلم‌ها ادامه داد تا آنجا که بیش از سه چهارم موسیقی متن فیلم‌ها، در سبک موسیقی پاپ ارایه شد.

اگر چه در طی سال‌های گذشته شاهد تلاشها و نوآوری‌هایی توسط برخی از هنرمندان نظیر «محمد اصفهانی» بوده‌ایم اما به طور کلی و به هر دلیل این فعالیتها کارنامه قابل قبولی در این عرصه محسوب نمی شوند.

نتیجه

باید اذعان کرد که همه هنرها علی‌الخصوص هنر موسیقی اگر فاقد روح و تعهد باشد و بی تفاوت به ارزشهای انسانی تنها به مسائل مادی توجه کند، حتما به ابتذال کشیده خواهد شد. متأسفانه اکثر آثار تولیدی در این زمینه، باری به هر جهت ساخته شده‌اند و هیچگونه رسالت، مسئولیت و تفکری در پس آن نهفته نیست و از آنجایی که

شناخته می‌شدند. با این حال موسیقی پاپ با تمام ابتدالی که داشت در چند زمینه نیز درخششهایی داشت. موسیقی بعضی فیلم‌های هنری و مطرح در دهه ۱۳۵۰ را آهنگسازی نظیر اسفندیار منفرد زاده ساختند که از ذوق و توان و خلاقیت بالایی برخوردار بودند. واروژان (۱۳۱۹-۱۳۵۶.ش)، زیباترین تنظیمهای موسیقی پاپ را ارائه کرد و آثار او تا امروز هم مورد تقلید آهنگسازان جوان قرار می گیرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ موسیقی پاپ غالب‌ترین نوع موسیقی در کشور ما بود و ترکیب سازهای سنتی و ارکسترال نبود بلکه از سازهایی همچون آکاردئون، گیتار و طبل‌های جاز استفاده می شد که به موسیقی پاپ غربی متمایل تر بود تا به نوع موسیقی اصیل ایرانی. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین گروه از هنرمندان ایرانی از کشور خارج شده و عازم آمریکا شدند. آنها همان کسانی بودند که در عرصه موسیقی پاپ فعالیت داشتند. این افراد طی بیش از ۳ دهه گذشته عمدتاً با تمرکز دادن فعالیت های موسیقایی خود در شهر لوس آنجلس، نوع موسیقی «پاپ ایرانی لوس آنجلسی» را تشکیل داده اند که همچنان به حیات خود ادامه می دهد و موافقان و مخالفان خود را دارد.

از سال ۱۳۵۷ که کشورمان دستخوش انواع حوادث سیاسی و اجتماعی شد، فعالیت و نشانی از موسیقی پاپ در ایران نمی بینیم اما در سال ۱۳۶۴ش به تدریج رگه هایی تازه از موسیقی پاپ در فیلم های سینمایی نمایان شد.

موسیقی متن فیلم «تاراج» که از سازهای الکترونیک بهره گرفته بود، توجه فراوان مردم را به موسیقی پاپ معطوف کرد.